مالزی، شاعران معاصر

ترابی، ضیاءالدین

شعر مالزی نیز مثل دیگر کشورهای جهان، در تاریخ پرفراز و نشیب خود، از شعر و هنر سایر کشورهای دور و نزدیک تأثیر پذیرفته است. گرچه ریشه‏های شعر سنتی مالزی را باید در شعر کلاسیک و نظم فارسی و عربی دانست، ولی تأثیر ادبیات هند مثل رامایانا و شعر و ادب سرزمین جاوه را در تکوین و تحول شعر سنتی مالزی نمی‏توان نادیده گرفت.

از سوی دیگر، با آغاز نفوذ اروپاییان استعمارگر به این شبه‏جزیره در اوایل سده شانزدهم میلادی و استیلای استعمارگران انگلیسی بر این کشور، در قرن هیجدهم و رواج زبان انگلیسی در این ناحیه را نباید در تکامل شعر مالزی بی‏تأثیر دانست. چراکه همین تأثیرپذیری‏ها و آشنایی‏های مردم مالزی با شعر و ادبیات سایر کشورهای جهان- بویژه کشورهای غربی- بود که موجب گردید در اواخر سده نوزده میلادی شاعران و نویسندگان مالزی دست به تحول اساسی در شعر و ادب این سرزمین بزنند.

گرچه پیشینه، نوآوری و نوگرایی در شعر مالزی به دهه 1880 میلادی برمی‏گردد، با وجود این تا دهه 1930 میلادی شعرهایی که در روزنامه‏ها و مجله‏های ادبی این کشور چاپ و منتشر می‏شد، در همان قالب‏های کلاسیک و سنتی «پنتون»(1) و «سی‏ایر»(2) بود؛ که شعری بود موزون و مقفی، و شاعران مالزیایی از دیرباز آن را برای بیان احساس، عاطفه و اندیشه خویش برگزیده بودند.

ولی برای نخستین‏بار در سال 1934، اولین شعر نو یا آزاد(3) مالزی، در مجله «گورو»(4)- احتمالاً تحت تأثیر شعر آزاد اندونزی- چاپ و منتشر شد و سپس این‏گونه شعر آزاد به دیگر مجله‏های ادبی مالزی، از جمله مجله «سوجانا»(5) نیز راه یافت.

ناگفته نماند که نخستین حرکت جدید در شعر این ناحیه در اوایل دهه 1920 میلادی در اندونزی، توسط «محمد یمین»(6)، در قالب غربی «سونت» آغاز شد، و بعدها شاعرانی چون «رستم افندی»(7) و «سانسویی پانه»(8) در اواخر همین دهه از شیوه وی پیروی کردند. ولی درست در دهه 1930 م بود که شعر آزاد- به مفهوم واقعی کلمه- مورد توجه شاعران مالزی قرار گرفت و پس از جنگ جهانی دوم و اشغال مالزی توسط ژاپنی‏ها، از 1941 تا 1946 میلادی تغییرهای محسوسی ازنظر شکل و محتوا در شعر مالزی پدید آمد. ولی درست پس از پایان جنگ جهانی دوم و خروج ژاپنی‏ها از مالزی و نیز آشنایی شاعران و نویسندگان مالزیایی با شعر و ادب معاصر اندونزی و ترجمه آثار نویسندگان اندونزی و انتشار آنها در مجله‏های مالزیایی بود که تحول جدید در شکل و محتوای شعر مالزی پدید آمد.

در بین شاعران مالزی «ماسوری اس.ان»(9) اولین شاعری است که تحول محتوایی شعر را در همان قالب سنتی «پتنون» آغاز کرد و به جای بیان کلی و غیرشخصی، به تصویر احساس و عاطفه خود در شعر روی آورد و بدین وسیله تحولی در نحوه بیان و صور خیال شعر مالزی پدید آورد. ولی او هنوز به شکل، وزن و آهنگ حاکم بر شعر سنتی مالزی- پنتون- وفادار بود. «ماسوری» در شعری به نام «نسل جدید» احساس خود را درباره نسل جدید شعر مالزی چنین بیان می‏کند:

«نسل جدید به صف ایستاده

و با آمادگی پیش می‏رود

تا ناگهان بندهای کهن را بگسلد

و بگشاید گره‏هایی را

که روح انسان را خفه می‏کند.

همه دلیران، بیدار شوید

از کوهها سرازیر شوید

به سوی دریایی که شانس روح است

و سدهای سرراهتان را نادیده بگیرید.»

بدین گونه آنچه در شعر جدید مالزی بیان می‏شود، برخاسته از احساس و اندیشه خود شاعر است، و برای بیان چنین احساس و اندیشه‏ای است که «ماسوری» در شعر دیگری به نام «اهمیت نمی‏دهم» می‏گوید:

«این بار من

به خشم ستارگان درخشان

در آسمان شب اهمیت نمی‏دهم

گرچه مسایل متفاوتند

اما در یک اصل

چه روشن، چه مبهم

پابرجا می‏مانم»

شعر سنتی مالزی مثل اغلب شعرهای کلاسیک جهان، شعری بود محدود به قالب‏ها و اوزان مشخص که به شاعران اجاره پرواز نمی‏داد. ولی شعر آزاد نخست از نظر شکل و قالب دست شاعر را آزاد می‏گذاشت تا فرم مورد نظرش را در شعر پیاده کند، و بعد از نظر محتوا نیز محدودیتی نمی‏شناخت و شاعران در این قالب نو، به جای پرداختن به مسایل کلی، به بیان احساس فردی و برداشت‏های شخصی و تجربه‏های عینی خود می‏پرداختند. به همین جهت شاعران جوان به شعر نو یا آزاد روی آوردند تا آزادانه در مورد خود و مسایل پیرامونشان سخن بگویند.

ناگفته نماند که یکی از عوامل مهم تحول در شعر معاصر مالزی موضوع تشکیل بنیاد نویسندگان جوان مالزیایی تحت عنوان «نسل نویسندگان جوان»(11) در سال 1950 در سنگاپور بود. این بنیاد یا انجمن توسط گروهی از آموزگاران و روزنامه‏نگاران مالزیایی بنیاد گذاشته شد، که هدفشان عبارت بود از بیداری افکار جوانان مالزیایی، توسعه زبان و ادبیات مالزی و نیز روشن کردن راه بهبود و اصلاح جامعه؛ که با شعار «هنر برای مردم» درمانیفست این گروه، به صراحت مشخص شده بود. گرچه فعالیت این بنیاد از 1950م تا 1954 بیشتر دوام نیاورد، ولی خطمشی آن در تکوین و پیشرفت شعر و ادب معاصر مالزی بسیار تأثیرگذار بود.

اما این گروه در برابر توجه زیاد به محتوای اجتماعی آثار هنری، توجه چندانی به استفاده از میراث ادبیات سنتی خود نداشتند. چرا که آنان محتوای ادبیات سنتی مالزی را چیزی خارج از جهان کنونی می‏دانستند و آن را برای جامعه معاصر خود مفید و موثر نمی‏دیدند. به طور کلی مهمترین ویژگی آثار اعضای «نسل نویسندگان جوان» و شاعران و نویسندگانی که به پیروی از آنان در عرصه شعر و ادب مالزی فعالیت می‏کردند، توجه به واقعیت‏های بیرونی و مسایل و مشکلات اجتماعی بود، بدین جهت باید آنها را شاعران و نویسندگان واقعگرا نامید.

بدین ترتیب نسل شاعران پس از جنگ جهانی دوم در مالزی توجه زیادی به مسایل فنی و زیبا شناختی شعر نداشتند و مهمترین عاملی که در نظر آنان در شعر اهمیت داشت ارایه ایده‏ها و اندیشه‏هایی بود، که به منظور بهبود وضع اجتماعی مردم درنظر داشتند و چندان توجهی به احساس و عاطفه شخصی خود نداشتند.

در این راستا و از آنجایی که کشور مالزی، تا سال 1957م جزء مستعمرات انگلستان بود، لذا یکی از دغدغه‏های مهم شاعران مالزی را، مسأله استعمار و سلطه بیگانگان و تلاش برای رهایی از دست استعمارگران و آزادی مردم و سرزمینشان تشکیل می‏داد. شعر «روح فرمانبردار»، «عثمان آونگ»(12)- از شاعران آغازگر حرکت نو در شعر مالزی- که در سال 1949م سروده شده، نمونه‏ای است از این نحو تفکر و اندیشه شاعران مالزی:

«گردونه زمان می‏چرخد و زمان پرواز می‏کند

زندگی در روی زمین شکل‏های گوناگونی می‏یابد

تا زمانی که با روح فرمانبردار زندگی کنیم

یقیناً بردگی می‏کنیم.

اگر آرزوی استقلال وجود داشته باشد

نمی‏توانم آن را با کلمه‏ها بیان کنم

ولی تلاش می‏کنم به پیش بروم

و روح فرمانبردار را به دوردست‏ها پرتاب کنم.

کلمات رهبر بزرگ را بیاد آر

و در آثار به جا مانده در سنگر «مالاکا»(13)

ما روح استقلال را مستقر می‏سازیم.»

و هم اوست که در آستانه استقلال مالزی، چنین تصویری زیبا از کشورش، در شعر ارایه می‏دهد:

«نخستین پرتوهای درخشان

در برابر چشمان روشنمان آشکار می‏شود

و من با آزادی عشقم را می‏خواهم

در قلب مشتاقم

- که چونان برکه عشق آرام است-

رسماً قول می‏دهم که از سرزمین محبوبمان دفاع کنم.

اگر توفان ستمگری این سرزمین زیبا را تهدید کند

یک قدم هم عقب‏نشینی نخواهم کرد

و نه شکست را خواهم پذیرفت.

بگذار میلیون‏ها گلوله پرواز کنند

و در پی انتقام قربانیانشان باشند

قلب من

وفادارانه آماده است

تا به سرزمین محبوبمان خدمت کند.

با گذر زمان عشق در قلبم شکوفاتر می‏شود

عزم ما، به دور از استعمارگران رشد خواهد کرد

عشقمان متحد شده

و کینه سیاه فروکش کرده است،

چقدر من مشتاق طلیعه سحرم

من با تمام قلبم سرزمین مادریم را دوست دارم

و در اینجا تعهد می‏کنم

تا زمان مرگم برایش خدمت کنم.»

«عثمان آونگ»، پس از «ماسوری»، از چهره‏های پیشاهنگ شعر نو این کشور است. این دو تن هر دو از اعضای بنیاد نویسندگان جوان مالزی بودند و هر دو از بزرگترین شاعران معاصر مالزی به شمار می‏روند، که ضمن حفظ سنت‏های شعری مالزی، نقش مهمی در نوگرایی و تحول شعر مالزی برعهده داشته‏اند.

«عثمان آونگ» علاوه بر شعر آزاد، شعرهای زیادی در قالب‏های سنتی «پنتون» و «منترا» سروده، ولی بیشتر به خاطر شعرهای آزاد و محتوای غنی انسان دوستانه‏اش شهرت دارد. شعرهای آزاد «عثمان آونگ» تصویری است زنده و گویا از زندگی مردم و وضع اجتماعی مردم مالزی. از وی مجموعه شعرهای زیادی منتشر شده است که از آن میان می‏توان از «موج‏ها»(14)(1961م)، «خار و آتش»(15)(1966م) و «سلام بر مادر»(16)(1982م) نام برد.

بعد از این دو نفر، «صمد سعید(17)» شاعر، رمان‏نویس و روزنامه‏نگار معاصر مالزی، از شاعرانی است که ریشه در بنیاد نویسندگان جوان مالزی دارد. شعرهای «صمدسعید» با شکل و بیان جدید پس از دهه 1950 میلادی در نشریه‏های سیاسی و اجتماعی مالزی چاپ و منتشر شد.

«صمد سعید» شاعری است نوگرا با زبانی نمادین، که مفاهیم اجتماعی به ویژه موضوع‏های مورد نظر بنیاد نویسندگان جوان مالزی را، به صورت نمادین در شعرهایش مطرح می‏کند. از میان مجموعه شعرهای وی می‏توان از «وحشی در آتش(18)»، «برگهای خزانی(19)»(1962م)، «بذرهای امید(20)»(1973م) و «گل حنا و شاخه‏های سرخس(21)»(1975م) نام برد.

در اواخر دهه 1950 میلادی و اوایل دهه شصت، دوره جدی و هدفمند بنیاد نویسندگان جوان مالزی، با حرکت جدید شاعران جوانتری روبرو شد که شعر شاه به «شعر مبهم(22)» شهرت یافت. این شاعران به جای تصویرهای روشن و اجتماعی شعر شاعران پیرو بنیاد نویسندگان جوان، به کشوری مبهم، گنگ و دور از مسایل اجتماعی روی آوردند و به جای مسایل سیاسی و اجتماعی، توجه عمده‏شان به زیبایی‏ها و غنای زبان مالزی و ارایه تصویرهای مبهم در شعر معطوف می‏داشتند.

از معروفترین چهره‏های این گروه، می‏توان از:

«نور.س.ی.م.غزالی(23)»، «الف.س.امین(24)» نام برد.

که آثارشان تنها از نظر تاریخی و نقش آن در پیشرفت و تکامل شعر معاصر مالزی اهمیت دارد، وگرنه شعرهای این گروه از نظر محتوایی و نیز تأثیرات اجتماعی به هیچوجه در خور توجه نیست.

گرچه در اوایل دهه شصت میلادی شاعر جوان و روشنفکر سوسیالیست مالزیایی، «کاظم احمد»(25) شعراهای سیاسی و اجتماعی خود را منتشر ساخت، که از نظر سبک و دید و بیان با کار دیگران تفاوت داشت. ولی بعدها این شاعر جوان، چه در شعر و چه در سیاست تغییر رویه داد و به مجادله و ستیزه‏جویی روی آورد. جهان شعر «کاظم احمد» را بحران و آینده وضع کشورهای سنگاپور و مالزی تشکیل می‏داد و از آنجایی که او از کارکرد استعمار، در این کشورها به خوبی آگاه بود، پس لزوماً بیانش به نوعی بیان سوفسطایی و شورشی تبدیل شد. چشم‏اندازهای شعر «کاظم احمد» بیشتر تاریخی و تحلیلی است و او در شعرهایش با اشاره به تاریخ و سرگذشت غم‏انگیز زحمتکشان و برزگران، آنها را به شورش و انقلاب فرامی‏خواند:

«سال‏هاست در صداقت مرده‏ایم

اکنون، در جنگ زندگی خواهیم کرد.»

برعکس شاعران گروه «شعر مبهم»، توجه اساسی «کاظم احمد» به مسایل اجتماعی است، که در قالبی موخر و منسجم ارایه می‏شود و به خاطر همین هم شعرش برای مردمی که به شعرهای لطیف و غنایی عادت کرده‏اند، نیز جالب و خواندنی است وحتی شاعران جوانتر به پیروی از وی می‏پردازند و هنوز نیز شعرش بین شاعران هواخواهان خاصی دارد. از میان مجموعه شعراهای وی می‏توان از کتاب «گفت‏وگو»(26) (1959) نام برد.

بعد از «کاظم احمد» باید از شاعره‏ای به نام «انیس صابرین»(27) نام برد، که شعرهایش هم با شعر شاعران «شعر مبهم» و هم با شعرهای اجتماعی «کاظم احمد» متفاوت است. در حقیقت شعرهای «انیس صابرین» تصویر زندگی شهری مالزی است و باید او را نخستین شاعر شهری مالزی دانست، که در شعرهایش شهر و زندگی ماشینی و محیط کار شهری و شهرنشینان را به تصویر می‏کشد.

در دهه 1960 میلادی موج جدیدی از شاعران جوان قدم به عرصه شعر و ادب مالزی می‏گذارند که از آن میان می‏توان از سوهایمی «حاجی محمد»(28)، «احمد کمال عبداله یا کمالا»(29)، «الف وهاب علی»(30)، «بهازاین»(31)، «فردوس عبدالله»(32)، «دارما و یجیا»(33) و «زرینه حسن»(34) نام برد.

از این میان «بهازاین» شاعر و منتقد ادبی روشن‏بینی است و بعد از «کاظم احمد»، شعرهای او مبین دیدگاه‏های روشنفکری مالزی است. شعرهای «بهازاین» دارای فضای جدیدی است و طرح روشنی است از زندگی حال و گذشته مردم مالزی در شهر و روستا.

به طور کلی «بهازاین» تصویرگر لحظه‏هایی از زندگی مردم است که در شعر دیگران از قلم افتاده است.«بهازاین» شاعر منتقدی است که مایل است خودش را مورد تحلیل قرار دهد، تا بتواند انسانی خوب و شهروندی با ارزش باشد. وی در شعری به نام «دگردیسی» چنین می‏سراید:

«اکنون من قطعه‏ای از آیینه‏ای شکسته‏ام»

که نورهای تیره و روشنی درمن انباشته شده

درغیر این صورت فضایی ندارم

سمت چپم نور است

و سمت راستم نور

و درمیانشان آیینه.»

ولی «فردوس عبدالله» شاعری غنایی است و شعر او را می‏توان به عشقی بین شاعر و زبان زیبایش، تعبیر کرد، زبانی که آن را با مهارت به کارمی‏گیرد. ولی شعرش به حدی به آهنگ و موسیقی وابسته است که جز اثری موسیقیایی و غنایی ارزش دیگری ندارد و درواقع شعرهای «فردوس عبداله» یادآور شعرهای غنایی سنتی مالزی است.

از این میان خانم «زرینه حسن» ازنسل شاعران تحصیل‏کرده‏ای است، که درشعرهایش به تصویر تنهایی خود و انسان معاصر و نیز زنان کشورش می‏پردازد و خواهان آزادی زنان و مشارکت آنان در کارهای اجتماعی است. مثل:

«اکنون من هنرپیشه‏ی دیوانه‏ای هستم

درصحنه‏ای خالی

مدت‏هاست که پرده را پایین کشیده‏اند

و مدت‏هاست که تماشاگران تماشاخانه را ترک کرده‏اند

درحالی که من هنوز بازی می‏کنم

و به زندگی دوست داشتنی‏ام، سوگواری می‏کنم

خدایا، ممنون خدایا

اوه، متشکرم خدایا

به خاطر همه چیزهایی که به من بخشیده‏ای

جز چیزی که بیش از همه مشتاقش بودم.»

از دیگر شاعران مطرح مالزی، «کمالا» یا «احمد کمال عبداله» است، که شاعری است مسلمان و متعهد، و درشعرهایش درپی به تصویرکشیدن فرهنگ و شعایر اسلامی است. وی شاعری است با دیدی تاریخی و تعهدی انسانی. از میان آثار این شاعر می‏توان از مجموعه شعر «عین» (35) نام برد که دربرگیرنده شعرهای مذهبی اوست و نمونه‏ای است کامل درشعر متعهد معاصر مالزی؛ مثل:

ُُ«به زودی اشک‏هایت جاری می‏شود

و صدای ظریف غمگینت بالا و پایین می‏رود

مثل صدای عود سرگردان کاروانی که می‏گذرد

اینک عطش اشتیاق نهایی

ناب و مقدس در دلم می‏تپد

قوی‏تر می‏شود

و همه اعصار را به هم می‏پیوندد.

درپیشگاه قرآن

جوانی، عشق الهی

زیبایی ابدی و زندگی

نعمت‏های خداوندند.»

پس ازاینها نوبت به دوتن از معروفترین شاعران معاصر مالزی می‏رسد که عبارتند از: «لطیف محی‏الدین»(36) و «محمد حاجی صالح».(37)

لطیف محی‏الدین شاعری است که شعرش به شاخؤ جهانی شعر تعلق دارد و توصیف و طبقه‏بندی شعرش چندان آسان نیست. او شاعر، نقاش، مجسمه‏ساز و نمایشنامه‏نویس است و به خاطر همین هم از همه تجربه‏های هنری‏اش در شعر خود سود می‏جوید. تخیل قوی، اندیشؤ عمیق و شکل شعر و نیز آهنگ، موسیقی و تصویرپردازی‏های جالب و جذاب از ویژگی‏های شعر «لطیف محی‏الدین» است. بنابراین شعر وی، ورای تجربه‏های زبانی و فردیت شاعر، تجربه هنرمندانه‏ی کاملی به مخاطبانش ارایه می‏دهد، مثل تصویری که در شعر «جنگل‏نشین» از زندگی شهری انسان معاصر ارایه می‏دهد:

«ایستاده در گوشؤ موزه

نهایت

در ویترینی شیشه‏ای

جنگل‏نشین

خفه و خاموش و تنها...»

از آثار چاپ و منتشر شده این شاعر می‏توان از «رودخانه مکونگ»(38) (1972)، «خیمه‏شب‏باز وایانگ»(39) (1979)، «کناره‏های زمان»(40) (1981) نام برد.

دیگر شاعر معروف دهه هفتاد مالزی، «محمد حاجی صالح» است که نامش اغلب در کنار دو شاعر خوب مالزی «بهازاین» و «لطیف محی‏الدین» مطرح می‏شود. وی از شاعران خوب مالزی است و از اوایل دهه شصت میلادی به سرودن شعر روی آورده و به دو زبان مالزیایی و انگلیسی، شعر می‏گوید. ولی شهرت و محبوبیت وی از زمانی آغاز شد که شعرهای مالزیایی‏اش در مالزی چاپ و منتشر شد و مورد توجه اهل قلم و دوستداران شعر قرار گرفت. وی در شعری به نام «تخته سنگ» وضع جامعه و موقعیت انسان در جهان را با موقعیت تخته سنگی نسبت به بقیه تخته سنگهای جهان مقایسه می‏کند و این چنین به تصویر می‏کشد:

«تخته سنگها جامعه خاص خودشان را دارند

راست یا خمیده

در افق

در چارچوب قانون سنگها

زندگی می‏کنند و می‏میرند.»

تاکنون چندین مجموعه شعر از وی چاپ و منتشر شده که از آن میان می‏توان از «شعرهای بیگانه»(41) (1973)، «سفرنامه تنگانگ دوم»(42) (1975)، «دنیا مال من هم هست»(43) (1977)، «شعرهایی از تاریخچؤ مالزی» (44) (1981)، و «از آنسوی خود» (45) (1982) نام برد.

احمد کمال عبدالله (مالزی)

Ahmad Kamal Abdullah

«میان پردؤ «جاکارتا»(46)»

ماه دسامبر است

شهودی بر دلت می‏گذرد

و در قنوت

وحدانیت خدا در دستان تو است.

چهره‏ای ظاهر می‏شود

می‏گوید

معشوقه رفته است

و قصیده‏های کهن را

از بندرگاه دوردست برده

تا وزن و تاریخش را

بازسازی کند.

و تو

شعرهای کوچک را

به سوی ماه تمام بالای «جاکارتا»

می‏پاشی

خاطره‏ها- یا تجدید خاطره‏های مختصر

با گوشت و پوستت می‏آمیزد

با تپش قلبت ترکیب می‏شود

و به اشتیاقی ناگهانی

شکل می‏بخشد0

منابع :

1- Pantun

2- Syair

3- Sajak

4- Guru

5- Saujana

6- Muhammad yamin

7- Roestam Effendi

8- Sansui pane

9- Masuri S. N.

10- Angkatan Sasterawan، 05 ) in short Asas، 05(

12- Usman Awang

13- Malacca

14- Gelom bang

15- Duridan Api

16- Salam Benua

17- Samad Said

18- Liardi Api

19- Daun Berguguran

20- Benih Harapan

21- Daun Semala Pucuk Paku

22- Sajak Kabur

23- Noor S. I. M. Ghazali

24- A- s. Amiln

25- Kassim A

26- Kepada Ibu

27- Anis Sabirin

28- Suhaimi Haji Mahammad Abdullah Kemda

29- hmadAhmad Kamal

30- A. Wahab Ali

31- Baha Zain

32- Firdaus Abdullah

33- Dharmawijia

34- Zurinah Hassan

35- ayn) Poems of faith(

Latiff Mohidin- 36

Mohammad Haji Salleh- 37

Sungai Mekong- 38

Wavng Pak Dalang- 39

Pesisir Waktu- 40

Sajak- Sajak Pendatang- 41

Buku Perjalanan Sitenggang- 42

Ini Juga Duniaka- 43

Sajak- Sajak Sejarah Melayu- 44

Dari Seberang Diri- 45

Jakarta- 46